

دریچه

بازگشت «همبستگی» به پیشخوان دک‌ها

● **شرق:** روزنامه باسابقه همبستگی پس از مدت‌ها توقف، دوباره منتشر شد و از روز ۲۳ بهمن‌ماه روی دک‌ها آمد. این روزنامه که همچنان با همان لوگو همیشه و شناخته‌شده خود منتشر شده، در دور جدید با مدیرمسئولی محمد سالاری و سردبیری امیرعباس نخعی در ۱۲ صفحه انتشار یافته است. تیت‌ر یک اولین شماره از دور جدید همبستگی به گفت‌وگوی این روزنامه با مصطفی معین اختصاص داده شده که برای آن تیت‌ر «کارشکنی رقیب برای روحانی فرصت است» انتخاب شده است. در این گفت‌وگو مصطفی معین درباره جایگاه و وزن حسن روحانی و دولتش، به‌علاوه چشم‌اندازها برای انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو و همچنین وضعیت و شرایط جریان اصلاحات صحبت کرده است. عکس یک شماره اول همبستگی نیز با تیت‌ر «دفاع روحانی از آشتی ملی» به حضور افشار مردم و گروه‌های سیاسی در راهپیمایی ۲۲ بهمن پرداخته است.

در طرفین چپ و راست صفحه اول این روزنامه همچنین دو یادداشت، یکی از مدیرمسئول و دیگری از سردبیر همبستگی منتشر شده. امیرعباس نخعی در ابتدای یادداشت خود برای دور جدید انتشار این روزنامه نوشته است:



«همبستگی» در شرایطی به میان شما می‌آید که اتحاد یا آشتی ملی لاف‌قده زبان مسئولان و چهره‌های ملی کشور شده است، آن هم در شرایطی که خاورمیانه روزهای سخت و سیاهی را پشت سر می‌گذارد و در این هنگامه ظهور دوره ترامپیزم در آمریکا نه‌تنها کمکی بر زخم‌های خاورمیانه و بالطبع ایران نیست؛ بلکه نمک‌پاش آن نیز خواهد شد... این یادداشت با این جملات به پایان رسیده است: «به یاد داشته باشیم اگر ما در عرصه جهانی شرایط برد- برد را برای گفت‌وگو انتخاب می‌کنیم و از شرط‌گذاری پرهیز می‌کنیم، برای گفتمان داخلی نیز بالطبع باید از شرط‌گذاری و خروج از شرایط برد- برد بپرهیزیم تا نتیجه برادی همگان باشد نه یک دسته و جناح». عنوان یادداشت سردبیر همبستگی هم برگرفته از همین بخش پایانی یادداشت است: «همبستگی با شرایط برد-برده».

سالاری، مدیرمسئول همبستگی، هم در نوشته خود برای اولین شماره این روزنامه که عنوان «آمده‌ایم طرحی نو دراندازیم» بر پیشانی آن نشسته است، این‌گونه نوشته: «پس از ماه‌ها بار دیگر با همبستگی شروعی تازه خواهیم داشت؛ این‌بار با رویکردی حرفه‌ای‌تر به جمع روزنامه‌های کشور آمده‌ایم تا طرحی نو دراندازیم». وی در بخش دیگری از سرمقاله خود می‌نویسد: «روزنامه همبستگی با شروع مجدد فعالیت خود به‌عنوان یک روزنامه مستقل و اصلاح‌طلب اگرچه پوشش‌دهنده نگاه اصلاح‌طلبان و به‌ویژه حزب همبستگی خواهد بود؛ اما در خبر رویکردی بی‌طرف خواهد داشت بدون دخل و تصرف جناحی پوشش‌دهنده اخبار جناح‌ها و تشکلات سیاسی در کنار رویدادهای اجتماعی و حوادثی خواهد بود که نیاز مردم و دربرگیرنده حساسیت‌های آن باشد و در اقتصاد نیز تلاش می‌کنیم معیشت مردم و بهبود آن و انذار به مسئولان در راستای بهترشدن وضعیت اقتصادی را در سِرلوحه کارنام قرار دهیم».

از دیگر مطالب منتشرشده در صفحه اول این روزنامه می‌توان به نوشته‌ای با تیت‌ر «روزنامه‌نگاری شبیه قنقوس» به قلم بهروز گرانپایه، روزنامه‌نگار باسابقه، اشاره کرد. مطلبی که این‌گونه آغاز می‌شود: «کار روزنامه‌نگاری و فعالیت روزنامه‌نگار در شرایط کنونی جامعه ما را می‌توان به قنقوس شبیه دانست». گرانپایه در این نوشته از مسئولیت‌های اجتماعی و رسالت رسانه نوشته است.

از تیت‌رهای دیگر صفحه اول شماره یک از دور جدید انتشار روزنامه همبستگی می‌توان به یک گزارش و گفت‌وگو درباره جشنواره فیلم فجر، یک یادداشت از الهه کولایی درباره مسئله زنان در انقلاب اسلامی، سه مطلب و گزارش اقتصادی، یک گفت‌وگوی منتشرنشده با پوران فرخزاد درباره فروغ فرخزاد و همچنین گزارشی درباره فروریختن پلاسکو و تأثیر آن بر اعتماد اجتماعی اشاره کرد.

ادامه از صفحه اول

هر کدامشان بالای هفت سال

است کارت‌ن خواب هستند.

اینجا همه ضایعات جمع می‌کنند و می‌فروشند، پیت حلبی و پلاستیک و آشغال از زباله‌ها جدا می‌کنند، به اندازه‌ای که خرج موادشان دربیاید. اسم یکی دیگرشان مظفر است، ۴۲ساله با اورکتی ارثشی و هیکلی لاغر؛ بی‌خیال جمع شیشه می‌کشد، بعد شروع به حرف‌زدن می‌کند و می‌گوید: «معتقد که می‌شی، اولش که کارت‌ن خوابی نیست. اما یواش‌یواش شوما خودتم تو خونه معذبی. نمی‌شه که مثلا آبجیت تو اتاق بغلی باشه شوما تو اتاق تُل بزنی یا دوا بزنی. اولش به شب می‌زنی بیرون، بعد یکی، دو روز، که لباسات بی‌ریخت شد دیگه نمی‌ری. اصلا قاعده است... می‌پرسم: «هیچ‌وقت دروازه‌غار نبودید؟» می‌گوید: «نَع. ما بچه‌های اینوریم، خونه زندگیامون اینورا بوده، شلتر رو می‌گی؟ شلتر دوره، خاوران تا اینجا کلی راهه. بعدم سخته، اینجا بهتره. رفیقام اینجا. دوا هم که می‌رسه، ساقی پره این اطراف...» کجا می‌خوابید؟ این را که می‌پرسم هر سه نفرشان نگاه می‌کنند و می‌گویند: «ما که نمی‌خوابیم. شیشه که بزنی خواب نداری...» بعد نوبت امیردنیروست، سرش را بالا می‌آورد و به عکاس می‌گوید: «بینی به جوری عکس بگیر صورتامون معلوم نباشه. از منم اصن عکس نکیر...». سبیده علیزاده می‌پرسد: چرا به ما اعتماد کردید و دنیرو می‌گوید: «خب شما خاکی هستید. نون و پنیر خوردید بی‌ادا و اطوار... رفیق شدید دیگه...» امیر دنیرو ۳۸ ساله است و حالا ۱۰ سال است کارت‌ن‌خواب است، پیش از اینها ساکن ولنجک بوده و برای خودش برو بیایی داشته. می‌گوید: «من السکل زیاد مصرف می‌کردم. تریاک کشیدم که الکل رو بذارم کنار، بعد شیشه و بعدم تموم. مامان و بابام توی تصادف مردن و من حالم ریخت به هم. کلی هم پول مونده بود برم، آن‌قدر که فکر نمی‌کردم تموم شه. اما راستشو بخوای تموم شد. دیگه سراغ بقیه نرفتم. زن و بچه رو گذاشتم و زدم بیرون. الان به دختر ۱۳ ساله دارم...»

می‌پرسم دلت برای زنت تنگ نمی‌شه؟ می‌گوید: «من دو تا چیز رو هیچ‌وقت نفهمیدم، یکی سیری، یکی هم عشق...». می‌گویم: «یعنی عاشق دخترت هم نیستی؟ آرام می‌گویی: «اون فرق می‌کنه...» سبیده می‌پرسد که امیر چقدر درس خوانده و او می‌گوید فارغ‌التحصیل داروسازی است. نمی‌دانم باید یاورد کنم یا نه... می‌گویم: ترک نمی‌کنی؟ می‌خندد و می‌گوید: «اولا که ترک‌کردن انگیزه می‌خواد، بعدم ترک کنم که چی بشه؟ شما اینجا که هستی فکرت فقط غذاست و مواد. همین‌قدم پول بسه. دیگه دغدغه نداری. بین اعتیاد اون‌قدرا هم که فک می‌کنی بد نیست. من نمی‌دونم چرا هی میگن مواد بده. خیلی هم خویه...». با امیر دنیرو می‌رویم سراغ یک گروه دیگر. یک گروه که بینشان یک زن جوان هم هست، یکی از مردها تا دوربین و عکاس را می‌بیند فرار می‌کند. زن رویش را برمی‌گرداند و می‌گوید: «امیر بگو برن. اگه نمیرن من می‌باشم برم...». جلو می‌روم و می‌گویم بگذار یکی با هم حرف بزнім. انکار همه زُست‌هایش یادش می‌رود. می‌گوید بنشینم. اسمش مهری است. ۲۸ ساله، سه سال است کارت‌ن‌خوابی می‌کند. می‌گوید: «رفیقم معتاد بود، منم کشیدم. الان هفت‌ساله معتادم، اما سه‌ساله زدم بیرون...». مهری می‌گوید مادرش نمی‌داند که خیابان خواب شده، می‌گوید: «نمی‌دونه دیگه. فک می‌کنه با دوستانم خونه گرفتن اونجام. قهریم با هم آخه... هروقت دلم تنگ بشه میرم از دور تماشااش می‌کنم و میام...». می‌گویم غذا و مواد از کجا تأمین می‌کنی؟ یکی محکم به سیگار می‌زند و می‌گوید: «بچه‌ها که غذا میارن. مواد هم هست. با ماشین میارن می‌خریم. یک بسته برای مصرف صبح تا شب ۱۵ تومن...». امیر دنیرو می‌گوید الان مینا می‌رسد. مینا که می‌گوید، انکار از همه قشنگ‌تر است. بعد می‌گوید: «اگه بتونید باهاش حرف بزیند کلی خویه. به ابهتی داره این دختر که حد نداره...».

نشسته‌اند روبه‌روی برج‌های ونک‌پارک، توی شمشادهایی که بریده شده تا کارت‌ن‌خواب‌ها استار نشوند، حالا استار نیستند، مواد می‌کشند. مهری دود شیشه را به حلق می‌کشد، کودکی توی ماشین پژویی



خیابان‌های شهر خلوت است، پمپ بنزین‌ها از کار افتاده‌اند، بازارها در سکوت و تاریکی فرورفته‌اند، مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات تعطیل و پارک‌های شهر نیز میزبان گنجشک‌های کوچک هستند. گردوغبار، ریزگرد، باران اسیدی، قطعی برق، آب و... واژه‌های پرکرار زندگی مردمان استان خوزستان است. قطعی آب، برق و خطوط مخابرات برای چندمین بار متوالی شهرهای استان خوزستان را فلج کرده، قطعی که علت آن یک بار گردوغبار و بار دیگر مه غلیظ عنوان شده است. زرگان، رامین، آبادان، خرمشهر و ماهشهر پنج نیروگاه بزرگ استان که از ساعات اولیه روز از کار افتاده‌اند، ۱۱ شهر را به تعطیلی مطلق و وزیر نیرو را برای چندمین بار متوالی به استان کشانده‌اند. سفرهایی که تنها خروجی آنها عکس و فیلم‌های خبری است،

جامعه



عکس‌ها: امیر دنیرو، شرق

شمشادهای نشئه وسط بزرگراه

که از بزرگراه می‌گذرد دستانش را چسبانده به پنجره و نگاهشان می‌کند. بعد امیر دنیرو زبانش را که برای بچه درمی‌آورد، بچه انکار که جن دیده باشد کله‌اش را از زیر صندلی پنهان می‌کند. از مهری می‌پرسم خرچش را از کجا درمی‌آورد. چیزی می‌گوید که موبدانه‌اش می‌شود پدرسوختگی... می‌پرسم تن‌فروشی هم می‌کند و او می‌گوید: «اولیل خیلی. الان نه. به هواس میرم قرار می‌ذارم، بعد پول رو پیش‌پیش می‌گیرم و در میرم، اینام (به مردهای دورش اشاره می‌کند) هوام رو دارن. توی یک طرف پلاستیکی ماکارونی دارد. درش را باز می‌کند و شروع به خوردن می‌کند. می‌گویم ترک نمی‌کنی؟ می‌خندد... توی گیش پر است از سالنامه. می‌پرسم اینها چیست؟ با دهن پر می‌گوید که دفتر خاطراتش است و می‌نویسد. یکی را باز می‌کنم و می‌خوانم: «خسته‌ام، زندگی خسته‌کننده، آدم‌ها خسته‌کننده، هوا بوی کند می‌دهد، خمارم، جانم درد می‌کند، از دست پلیس‌ها فرار کرده‌ام، دوباره بند کرده‌اند به جمع‌آوری، مثل آشغال‌ها جمع‌عمان می‌کنند، بعد طرح تمام می‌شود، دوباره پرتمان می‌کنند وسط شهر... درد دارم، گرسنه‌ام و دلتنگ. حس دلتنگی احمقانه... خسته‌ام، لعنتی‌ها خسته‌ام...». سیگار، سیگار بوی کند ادرار شب‌مانده. دلم می‌خواست همین الان تمام می‌شد. چی؟ نمی‌دانم...». مهری شماره‌ام را می‌گیرد، می‌برد برای روز مبادا، برای وقت ترک‌کردن، توی همان دفتر خاطراتش با یک مداد ابرو شماره‌ام را یادداشت می‌کند. هر دویمان مطمئیم که زنگ نمی‌زند... .

دختری قدبلند از روبه‌روی می‌آید، مانتوی سدری‌رنگی به تن دارد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات صحبت کنن...». مینا وراندازمان می‌کند، دست می‌دهیم و می‌گویند: «دوا آوردن. برم بگیرم و به تن آرد و روسری‌اش را پشت گردنش گره زده، صورتش تروتوتی است و بینی عمل‌کرده‌ای دارد. هنوز صورتش به‌هم نریخته و همان میناست. مینای قشنگ و باجذبه. امیر دنیرو می‌گوید: «مینا اینا رفیقام، می‌خوان باهات